

# ۲۰ بازی و فعالیت فارسی

مخصوص کلاس اولی ها

نویسنده: زهرا مهدیان



# بسم الله الرحمن الرحيم

تقديم می کند



## مقدمه

خواندن و نوشتن، پایه و اساس درس فارسی است. روش های زیادی برای آموزش و تثبیت آن وجود دارد، اما چه بهتر که برای آموزش والدین از زبان کودکانه وارد شویم. زبان کودکانه همان بازی، قصه و فعالیت است. کودک در آموزش های بازی محور، خود را مجبور به یادگیری نمی بیند. همان طور که در حال بازی است، با مفاهیم آشنا می شود و همین باعث یادگیری پایدار تر می شود.

در این کتاب سعی کردیم، ۲۰ بازی و فعالیت فارسی در ۴ بخش با عنوان آشنایی با حروف، کلمه، جمله و داستان نویسی ارائه دهیم. اگر چه برای آموزش فارسی باید تاکید روی کلمه باشد و از کلمه است که به حرف می رسیم، اما در اینجا به تعداد مساوی بازی ها را در هر بخش آورده ایم. اما بهتر است بازی هایی با محوریت کلمه و جمله بیشتر در برنامه ی روزانه انجام شود. بازی های ارائه شده در این کتاب، هم در خانه و هم در مدرسه قابل اجراست. برای برخی بازی ها نیاز به چند بازیکن داریم که می توانید آن را در مهمانی ها انجام دهید.

با تشکر از خانم ها زهرا مرزانی، محدثه میرزاجعفر و منیره سادات امامی که در ایده دهی این بازی ها نقش زیادی داشتند.





## فهرست کتاب:

### ۱. آشنایی با حروف

۱. صدا سازی
۲. رد پای نارنجی
۳. حروف برجسته
۴. شکار حروف
۵. زو حرفی

### ۲. آشنایی با کلمه

۱. پیام سری
۲. کامل کنیم
۳. کارت های کلمه
۴. بیست سوالی
۵. برج هیجان جمله ای

### ۳. آشنایی با جمله

۱. دست و کلمه
۲. جدول کلمه
۳. چی کجاست؟
۴. کارت بازی
۵. پیدا کردن کلمه با چشم بسته

### ۴. آشنایی با متن و داستان نویسی

۱. کارت تبریک
۲. نویسندگی
۳. دیوار مطالعه
۴. مجله بسازیم
۵. صندوق نامه

## فصل اول: آشنایی با حروف

من یک معلم هستم:

داستان های من و دختران کلاس اولی ام

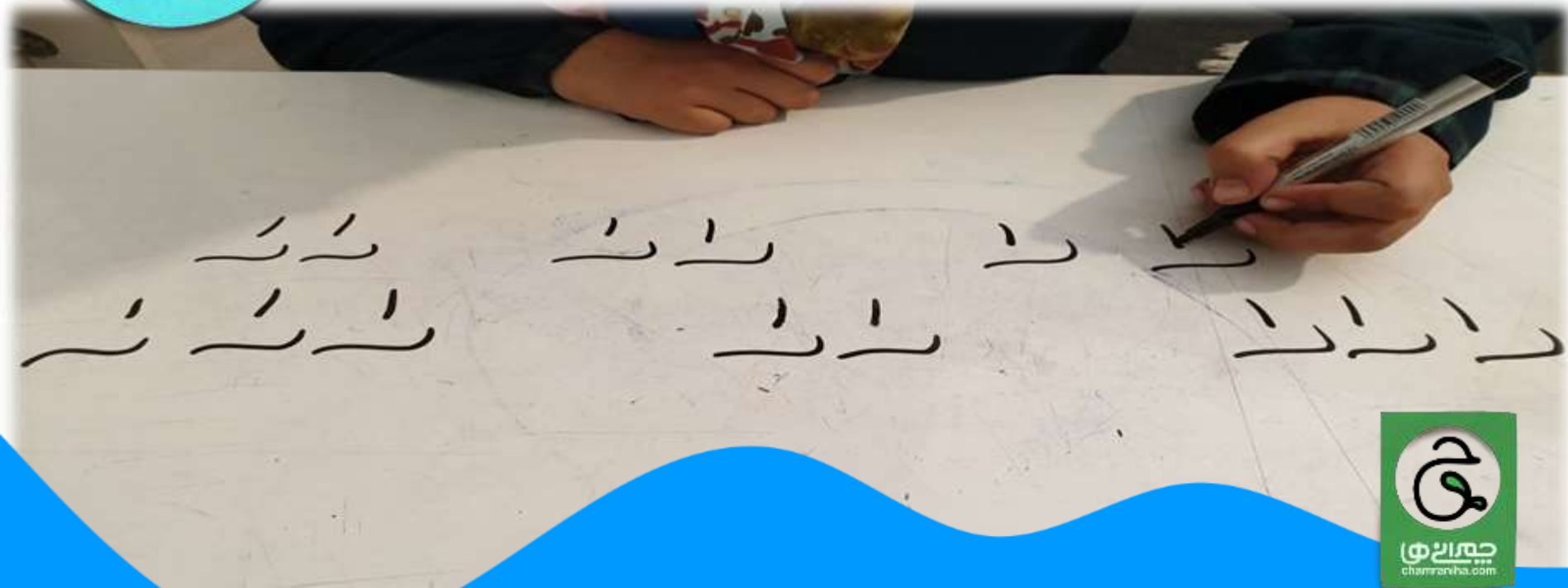


# ۱.۱ - صدا سازی

هدف بازی:

با این بازی، هم با صدای حروف آشنا می شویم.  
هم خلاقیت مان تقویت می شود.

ابزار بازی: کاغذ، مداد و یا ماژیک و تخته



# ۱.۱ - صدا سازی

دخترهای کلاسم عاشق بازی های پر سر و صدا هستند. یک روز موقع درس آواها، تصمیم گرفتیم یک بازی انجام دهیم.

از بچه ها خواستم هر کدام، یک حرف انتخاب کنند. تا با آن صدا، یک آهنگ بسازیم. اول خودم "س" را انتخاب کردم. هر کس حرف انتخابی اش را اعلام کرد. "آ"، "د"، "ب" و ... حالا نوبت آهنگ سازی بود. از بچه ها خواستم مداد هایشان را بردارند و حرف ها را به هر ترتیبی که دوست دارند بنویسند و یک آهنگ بسازند. مثلا این آهنگ من است: سس سسس سس سس

آهنگ فاطمه این بود: آآ آ آآآ آ آآ آ

آهنگ طهورا این بود: ب بب ب ب بب ب ب بب ب

وقتی آهنگ مان را نوشتیم، به نوبت خواندیم و هم زمان با ته مداد هایمان روی میز زدیم.



## ۲.۱ - رد پای نارنجی

هدف بازی:

با این بازی، هم به اکتشاف می پردازیم، هم با شکل نوشتاری حروف آشنا می شویم.

ابزار بازی: کاغذ رنگی، مداد





## ۲.۱ - رد پای نارنجی

زمان هایی که می خواهیم حرف جدید یاد بگیریم، در کلاس مان یک مهمان داریم. اسمش نارنجی است. نارنجی دوست دارد حروف مختلف را به بچه ها یاد دهد. هر دفعه هم با یک غافلگیری. او هر حرفی را که بخواهد یاد دهد، روی وسایلی که آن صدا را دارد، می رود و یک رد پا روی آن به جا می گذارد.

امروز هم نارنجی چند رد پا به جا گذاشته بود. بچه ها شروع کردند و به دنبال ردپاهای نارنجی رفتند.

بعد از چند دقیقه رد پاها را به کلاس آوردند. یک نفر ردپا را روی یخچال پیدا کرده بود، یک نفر روی یخ، یک نفر هم روی چای.

حالا اسم وسایل را نوشتیم. حالا نوبت بچه ها بود تا حدس بزنند، حرف مشترک این کلمات چیست. بعد از نگاه کردن به کلمات، همه، حرف "ی" را نشان دادند. بعد از کشف حرف نارنجی، با صدای "ی" و شکل نوشتن "ی" آشنا شدیم.



## ۱-۳. حروف برجسته

هدف بازی:

با این بازی، هم نوشتن حروف رو تمرین می کنیم.  
هم مهارت های دست ورزی مون رو تقویت می کنیم.

ابزار بازی: کاغذ، مداد، خمیر یا نمک رنگی و چسب چوب، حبوبات، زیر انداز



## ۱-۳. حروف برجسته

روی یک برگه، یک حرف را بزرگ و به شکل تو خالی نوشتم. و از بچه ها خواستم، از بین خمیر رنگی، نمک رنگی و حبوبات یکی را انتخاب کنند. هر کس یک ابزار را برداشت. حالا نوبت قشنگ تر کردن این حروف بود.

مریم خمیر رنگی را انتخاب کرده بود. با کمک زهرا که هم گروهی اش بود، خمیر های را داخل حرف ر، چسباند.

سلما که نمک رنگی برداشته بود، اول داخل حرفش، چسب چوب زد و بعد نمک رنگی را روی آن پاشید. وقتی خشک شد، کاغذ را تکان داد و یک م نمکی روی صفحه پیدا شد. زینب و فاطمه هم حبوبات را انتخاب کرده بودند. زینب چسب می ریخت و فاطمه لوبیا و عدس را روی حرفش می چسباند.

وقت همه ی حروف آماده شد، آن ها را به دیوار زدیم تا روز های بعد تمام حروف الفبا را تکمیل کنیم.

# ۱-۴. شکار حروف

هدف بازی:

با این بازی، هم دقت و تمرکز مون زیاد میشه  
و هم با حروف مختلف تو شکل کلمات آشنا می شیم.

ابزار بازی: کاغذ، مداد، متن کتاب یا قصه، مداد رنگی

روزی یک شکارچی، جنگلی، بنام آهو می گشت  
امام رضا، هم همان جنگل بود  
شکارچی یک آهو پیدا کرد  
و پیش امام رضا رفت

# ۱-۴. شکار حروف

امروز برای بازی فارسی، می خواهیم شکارچی بشویم و به شکار حروف داخل قصه برویم.

برای این بازی، متن یک داستان ساده را روی کاغذ نوشتیم. حالا نوبت شکار حروف بود. از بچه ها خواستیم، هر کس یک حرف را انتخاب کند. ر، م و د حروف انتخابی بچه ها بود. آن را روی تخته نوشتیم.

حالا هر کس مسئول شکار یک حرف شد. و شکارش را رنگی کرد. طه‌ورا حروف ر را شکار کرد و آنها را سبز کرد. مریم مسئول شکار م ها بود و زهرا هم د را شکار کرد. بعد از پیدا کردن همه ی حروف، هر کس کلمه ی شکار شده اش را بلند خواند.



# ۱-۵. زو حرفی

هدف بازی:

با این بازی، هم کلی انرژی مون تخلیه میشه  
و هم با صدای حروف آشنا می شویم.

ابزار بازی: کاغذ، مداد، مقداری نخ یا کاموا، جایی برای دویدن



# ۱-۵. زو حرفی

قرار گذاشتیم یک بازی هیجانی انجام دهیم تا کمی انرژی مان تخلیه شود.  
اول یار کشی کردیم و دو گروه مساوی شدیم. فاطمه، زینب و طه‌ورا یک گروه شدند و زهرا، سلما و نرگس هم یک گروه شدند. قرار شد هر گروه سه حرف انتخاب کند.  
گروه فاطمه، حرف های ر، م و آ را انتخاب کردند و گروه زهرا ب، ک و د را انتخاب کردند. هر گروه حرف ها را روی کاغذ نوشتند.  
نوبت گروه فاطمه بود. زینب چشمانش را بست و گروه زهرا، د را که روی کاغذ نوشته بود، با کاموا از گردن زینب آویزان کرد. با شماره یک، دو، سه زینب چشمش را باز کرد. اول حرف را نگاه کرد و بعد زو کشید.  
بچه ها باید زو بکشند و اشیایی را که با د شروع می شود، نشان دهد. مثلا دیوار، دندان، دست و ...

## فصل دوم: آشنایی با کلمه

من یک مادر هستم:  
داستان های من و دخترم آلا





## ۱-۲. دست و کلمه

هدف بازی:

با این بازی، هم سرعت و دقت مون زیاد میشه  
و هم با شکل کلمات آشنا می شویم

ابزار بازی: کاغذ، مداد



## ۲-۱. دست و کلمه

دست بازی یکی از بازی های محبوب خودم در دوران کودکی بود. هم در مدرسه و هم در خانه بازی می کردیم. به آلا هم یاد داده بودم و گاهی در خانه بازی می کردیم. یک روز عصر که آلا حسابی حوصله اش سر رفته بود، گفتم: میای دست بازی کنیم؟ آلا گفت: نه دیگه اون تکراری شده. گفتم: من یک مرحله ی جدیدش رو میگم. حالا که با سواد شدی، می تونیم به جای عدد، کلمه بنویسیم. آلا خوشحال شد و سریع دو برگه و مداد هایش را آورد. چون اندازه ی دست هایمان یک اندازه نیست، هر دو دست را آلا می کشد. بعد کلمات را داخل آن نوشتیم. یک کلمه من گفتم و یک کلمه هم آلا. از کتاب بخوانیم آلا هم کمک گرفتیم تا دست هایمان پر از کلمه شد. با سنگ، کاغذ، قیچی مشخص شد که آلا باید بازی را شروع کند. آلا گفت: بادام. تا زمانیکه من بگردم و بادام را از بین کلمه ها پیدا کنم، آلا با مداد رنگی دور دست را هاشور می زند. هنوز رنگ کردن یک انگشت به نیمهنرسیده بود، که من با خوشحالی فریاد زدم: باداااااااا. حالا نوبت من بود که کلمه ام را به آلا بگویم تا پیدا کند. در این بازی، هرکس بتواند زود تر دور تا دور دست را هاشور بزند، برنده است.

## ۲-۲. جدول کلمه

هدف بازی:

با این بازی، هم کلی پپر می کنیم  
و هم با کلی کلمه آشنا می شویم

ابزار بازی:

چسب کاغذی، یک فرش یا موکت ۶ متری



## ۲-۲. جدول کلمه

آلا هنوز از مدرسه برنگشته بود. می دانستم یکشنبه ها درس هایی دارد که مجبور است در کلاس بنشیند. برای همین همیشه انرژی دارد که در مدرسه تخلیه نشده.  
چسب کاغذی را برداشتم و روی فرش جدول کشیدم. اندازه ی خانه های جدول هم طوری بود که هم من و هم آلا بتوانیم داخلش بایستیم. در هر خانه با همان چسب کاغذی، یک چیزی نوشتم. برخی خانه ها یک حرف و برخی خانه ها یک کلمه داشت. و منتظر شدم تا آلا به خانه بیاید.

وقتی آمد، با هیجان کنار جدول ایستاد و گفت: این چیه؟ گفتم: یه بازی. آلا گفت: میشه الان بازی کنیم؟ گفتم: آره حتما. بازی مون اینجوریه که من به تو فرمان میدم و تو به من. مثلا من به تو میگم سه تا خونه برو بالا. وقتی به خونه سوم رسیدی، اگر حرف باید سه تا کلمه بگی که اون حرف توش باشه و اگه کلمه بود، باید اون کلمه رو بخونی. اگه نتونستی که نوبت توئه که به من فرمان بدی کجا برم و اگه نتونستی، باید برگردی سر جای قبلیت.  
آلا با خوشحالی بالا و پایین پرید و بازی مان شروع شد و اینگونه بود که ما یک ساعت با همان لباس های مدرسه بازی کردیم.

## ۲-۳. چی کجاست؟

هدف بازی:

با این بازی، هم مهارت های دیداری مون تقویت میشه  
و هم با معنی کلمه آشنا می شویم

تخته و گچ یا ماژیک و یا مداد و برگه ی بزرگ ابزار بازی:



## ۲-۳. چی کجاست؟

این بار هم با آلا تصمیم گرفتیم نقاشی کنم. اما از آلا خواستم تا او دو کتابی را که تازه خریده بودیم بخواند، من یک نقاشی روی تخته بکشم و با آن بازی کنیم.

آلا مشغول کتاب خواندن شد. من هم دو مکان را انتخاب کردم. خانه و مسجد. شکل خانه و مسجد را در وسط تخته کشیدم بعد هم کلمه ی خانه و مسجد را زیر آن نوشتم.

در جاهای خالی تخته، چیزهایی که به خانه و مسجد ارتباط داشت را کشیدم و کلمه اش را هم زیر آن نوشتم. مثلا پرده، مهر، اتاق، جانماز و ...

کارم که تمام شد، آلا را صدا زدم.

آلا باید چیزهایی که در خانه بود را با ماژیک آبی و چیزهایی که در مسجد بود را با ماژیک سبز، به خانه و مسجد وصل می کرد.

هر کدام را که وصل می کرد، کلمه اش را هم می خواند.

ممکن است خیلی از کلمات را با کمک تصویرش خوانده باشد، اما همین که شکل کلمات در ذهنش بماند، کافی بود.

## ۲-۴. کارت بازی

هدف بازی:

با این بازی، هم حافظه مون تقویت میشه  
و هم با معنی و شکل کلمه آشنا می شویم

ابزار بازی:  
مقوا، مداد و مداد رنگی



## ۲-۴. کارت بازی

اوایل که آلا هنوز خوب نمی توانست کلمه ها را بخواند، بازی مان اینجوری بود: کارت ها را با مقوا درست می کردیم و روی هر کارت، آلا یک نقاشی می کشید و من کلمه را زیر آن می نوشتم. از شکل، دو کارت درست می کردیم. مثلا کتاب، بادکنک و ... انتخاب کلمه هم با آلا بود.

بعد کارت ها را بر می زدیم. و به پشت روی زمین می چیدیم. به نوبت هر کس باید دو کارت را بر می داشت. نگاه می کرد اگر شکل هم بود، کارت ها برای او می شد و اگر شکل هم نبود، باید آن ها را سر جایش می گذاشت.

آنقدر بازی می کردیم تا کارت های روی زمین تمام شود.

حالا جدیداً آلا پیشنهاد داده به جای اینکه کلمه و نقاشی روی یک کارت باشد، آن ها را جدا کنیم. مثلا یک کارت کلمه مداد است و یک کارت نقاشی مداد. دیروز کارت های این بازی اش را درست کرد و امروز که به مهمانی رفتیم کلی با دختر خاله اش بازی کردند.



## ۲-۵. چشم بسته

هدف بازی:

با این بازی، هم حواس مختلف مون تقویت میشه.  
و هم با کلمه و حروف آشنا می شویم

ابزار بازی: کاغذ، مداد، یک پارچه برای بستن چشم، تخته، ماژیک



## ۲-۵. چشم بسته

آلا بازی های پیدا کردنی را خیلی دوست دارد و من هم سعی می کنم در بازی هایی که به او پیشنهاد می دهم، پیدا کردن هم جزئی از بازی باشد.

امروز عصر، مهدیه هم کلاسی آلا، مهمان خانه ی ما بود. اول کمی در اتاق آلا مشغول بازی شدند. من هم از فرصت استفاده کردم و چند کلمه را روی کاغذ های مختلف نوشتم و به چند جای مختلف چسباندم.

دخترها را صدا کردم و گفتم: بیاید یه بازی داریم. آلا و مهدیه به حال آمدند. گفتم: چند تا کلمه اینجا قایم شدند و می خوان که شما پیدا شون کنین. اما با چشم های بسته.

سنگ، کاغذ، قیچی کردیم و قرار شد آلا اول چشمانش را ببندد. و با چشمان بسته دنبال کلمه بگردد. بازی شروع شد و آلا بعد از چند دقیقه برگه را از پشت تلویزیون پیدا کرد.

اما بازی اینجا تمام نمی شد. گفتم: حالا چشمتو باز نکن. باید برگه رو بدی به مهدیه. مهدیه هم حرف های کلمه رو یکی یکی بگه و تو با چشم های بسته روی تخته بنویسی.

مهدیه هم شروع کرد. م - ی - ز. آلا حرف ها را روی تخته نوشت و با خوشحالی فریاد زد: میز!

## فصل سوم: آشنایی با جمله

من یک معلم هستم:  
داستان های من و پسران کلاس اولی ام



## ۳-۱. پیام سری

هدف بازی:

با این بازی، هم یکم آتیش بازی می کنیم  
و هم با نوشتن و خواندن جمله آشنا می شویم

ابزار بازی: مداد، آبلیمو، گوش پاک کن، آتش



## ۳-۱. پیام سری

قرار بود امروز اردو به یک پارک جنگلی برویم و می خواستیم آتش روشن کنیم و سیب زمینی درست کنیم. یک ساعت قبل از اردو وقت داشتیم. برای همین به هر کس، یک کاغذ، یک گوش پاک و یک کاسه آبلیمو دادم.

به بچه ها گفتم: امروز می خواهیم یک پیام سری روی این کاغذ ها بنویسم. هر کس به یک جمله فکر کند و بعد با گوش پاک کن و آبلیمو، روی کاغذ، جمله شو بنویسه. هنوز یک ثانیه هم نگذشته بود که علی گفت: با این آبلیمو ها که معلوم نمیشه. یه چیز پر رنگ تر می خواهیم. گفتم: برای همین سریه. شما بنویس بعد باید یه کاری کنیم که ظاهر بشه. پسرها مشغول شدند و هر کس یک جمله نوشت. وقت اردو بود. گفتم: همه پیام های سری تون رو با خودتون بیارین اردو که می خواهیم اونجا رمز گشایی شون کنیم. در اردو وقتی با کمک بچه ها آتش روشن کردیم، از شون خواستم بر گه هاشون رو بیارن و روی آتش بگیرن و ببیند چه اتفاقی می افتد. چهره های هیجاتن زده ی بچه ها دیدنی بود. همه جمله هایشان را دیدند که روی کاغذ ظاهر شد و بعد هر کس پیام سری اش را برای دوستانش خواند. می توانید به جای آتش از شعله ی گاز هم استفاده کنید.

## ۲-۳. کامل کنیم

هدف بازی:

با این بازی، هم کلی می‌خواندیم،  
و هم با جمله سازی آشنا می‌شویم

ابزار بازی: مداد، کاغذ



## ۳-۲. کامل کنیم

امروز در کلاس موقع تمرین فارسی، به بچه ها پیشنهاد دادم به جای هر کس یک جمله برای خودش بسازد، همه با هم یک جمله بسازیم. جمله مان هم باید خنده دار باشد.

میزهای کلاس را گرد چیدیم تا همه در کنار هم باشیم. یک کاغذ برداشتم و گفتم: من یک کلمه روی این کاغذ می نویسم و میدم دست مهدی، مهدی هم یک کلمه بهش اضافه می کنه و میده به بغل دستیش. همین طوری همه یک کلمه بهش بر گه اضافه می کنیم تا بر سه دست محسن. محسن باید جمبه رو تموم کنه و برامون بخونه.

خودم با کلمه ی قابلمه شروع کردم و کاغذ رو دادم به علی. به نوبت همه ی بچه ها روی کاغذ چیزی نوشتند. بالاخره کاغذ به محسن رسید و با خنده جمله رو خواند.

قابلمه و گفکیر با هم عروسی کردند و به رستوران رفتند.



## ۳-۳. کارت های کلمه

هدف بازی:

با این بازی، هم سرعت و تمرکز مون زیاد میشه  
و هم با جمله های معنا دار آشنا می شویم

ابزار بازی: مداد، کاغذ یا مقوا

میخواند

کتاب

امین

آمد



## ۳-۳. کارت های کلمه

امروز در کلاس مسابقه داشتیم. از قبل تعدادی کلمه را روی کارت های مقوایی نوشته بودم. از پسرها خواستم گروه هایی دوتایی تشکیل دهند. برای بازی به دو گروه نیاز داشتیم. علی و یحیی به عنوان گروه اول و مهدی و محسن به عنوان گروه دوم انتخاب شدند و کنار تخته ایستادند. به هر کدام از گروه ها ۲۰ کارت و ۲۰ آهن ربا دادم. بچه ها دو دقیقه فرصت داشتند با کلمات، جمله های با معنی بسازند و روی تخته بچسبانند. گروهی در این بازی برنده می شود، که بعد از تمام شدن زمان، از کارت های بیشتری استفاده کرده باشد. اما به شرط آنکه جمله ی شان معنی دهد و اگر معنی نمی داد، کارت های آن جمله، جزو کارت های باقی مانده حساب می شد. برای تشخیص معنی دار بودن جمله هم، بقیه ی بچه ها داور بودند و نظر می دادند.

## ۳-۴. بیست سوالی

هدف بازی:

با این بازی، هم چندتا حدیث یاد می گیریم  
و هم با جمله ها آشنا می شویم

ابزار بازی: مداد و کاغذ یا تخته و گچ

— f + — سببوں نے کیا — است

## ۳-۴. بیست سوالی

آشنایی با سایر مفاهیم و موضوعات را هم می شود در قالب بازی فارسی به بچه ها ارائه داد. در کلاس ما، روز اول هفته، نوبت یک نفر است که یک حدیث را از خانه روی کاغذ بنویسد و برای بچه ها بخواند. اما قبل از خواندن حدیث، بقیه ی بچه ها با بازی بیست سوالی باید آن حدیث را حدس بزنند. این هفته نوبت علی بود. او حدیث نماز ستون دین است را انتخاب کرده بود. علی حدیث را روی تخته نوشته اما نه به صورت کامل. به جای کلمه ی نماز، چهار خط گذاشت، بعد نوشت ستون و به جای کلمه ی دین، سه خط گذاشت و بعد نوشت دین. حالا نوبت بچه ها بود که بیست حرف را بگویند. اگر حرفی را درست حدس می زدند، علی آن را در جای خالی می نوشت. وقتی همه ی حرف ها را حدس زدند، همه با هم حدیث را خواندند. وقتی بازی مان تمام می شود، بچه ها حدیث را بالای تخته می نویسند تا در آن یک هفته هر روز آن را بخوانیم.

## ۳-۵. برج هیجان جمله ای

هدف بازی:

با این بازی، هم دقت مون زیاد میشه  
و هم با جمله سازی آشنا می شویم

ابزار بازی:

مداد، کاغذ، برج هیجان



## ۳-۵. برج هیجان جمله ای

ما در کلاس‌مان، یک زنگ انتخابی داریم. یعنی چند فعالیت داریم که بچه‌ها می‌توانند از بین آنها، بازی را که دوست دارند، انجام دهند. معمولاً فعالیت‌های دست‌ورزی مثل، خمیر بازی و گل‌بازی و بازی‌های فکری جز انتخاب‌هاست. از نیمه‌ی سال تحصیلی تصمیم گرفتیم، بازی‌های درسی را هم به انتخاب‌ها، اضافه کنیم.

روی تکه‌های کاغذ، چندین کلمه نوشتم و هر کلمه را روی قطعات چوبی برج هیجان چسباندیم و بازی را در قفسه‌ی بازی‌ها قرار دادم.

زنگ انتخابی محسن، علی و مهدی برج هیجان را برای بازی انتخاب کردند. وقتی برج را ساختند به آنها گفتم: این بازی مون‌یکم امروز متفاوت‌ه. هر کس که یه چوب‌رو برمی‌داره باید کلمه‌رو بخونه و باهاش یک جمله بسازه. نفر بعدی فقط تا وقتی می‌تونی چوب‌خودش‌رو برداره که نفر قبلی جمله‌رو نساخته باشه. اگه جمله‌رو بسازه و اون هنوز چوبش‌رو برنداشته باشه، فرصتش‌رو از دست میده. و دوباره همون نفر قبلی می‌تونه یه چوب‌برداره. پس باید سعی کنید خیلی تند تند، کلمه‌رو بخونین و جمله بسازین.

## فصل چهارم: آشنایی با متن و داستان نویسی

من یک مادر هستم:  
داستان های من و پسر م علی



# ۴-۱. کارت تبریک

هدف بازی:

با این بازی، چند نفر رو خوشحال می کنیم  
و هم با نوشتن یک متن آشنا می شویم

ابزار بازی:

مداد، کاغذ یا مقوا، چسب، قیچی، وسایل تزئینی

## ۴-۱. کارت تبریک

خیلی از چیزها را می توان حاضر و آماده تهیه کرد و شاید قیمتی هم نداشته باشد اما اگر همان ها را از بچه ها بخواهیم درستش کنند، ارزشش صد برابر می شود.

امسال عید نوروز، اولین سالی است که علی می تواند بخواند و تا حد زیادی بنویسد. از طرفی ما یعنی من و علی ، یکی دوسالی می شود که برای تبریک سال نو، برای بابا، ماما بزرگ و بابا بزرگ کارت تبریک درست می کنیم.

امسال هم تصمیم گرفتیم، کارت درست کنیم. علی مقوا و قیچی و چسب را آورد و شروع به بریدن کارت ها کرد. من هم چندین جمله روی کاغذ نوشتم. چون علی هنوز نمی توانست خودش مستقل جمله بنویسد. تولدت مبارک، عیدت مبارک، سال نو مبارک، تو خیلی خوبی، ممنون بابت مهربونی هات، دوست دارم و ...

کار بریدن کارت ها که تمام شد، جمله ها را به علی دادم و گفتم: می تونی از این جمله ها تو کارتت استفاده کنی.

برای هر کارت اول اسم شخص را می نوشت، یک نقاشی کوچک می کشید بعد یک جمله انتخاب می کرد و با خط خودش برایشان می نوشت.

علی از اینکه می توانست خودش کارت ها را بنویسد خیلی خوشحال شد. و برای خاله، دایی ها و عموهایش هم کارت درست.



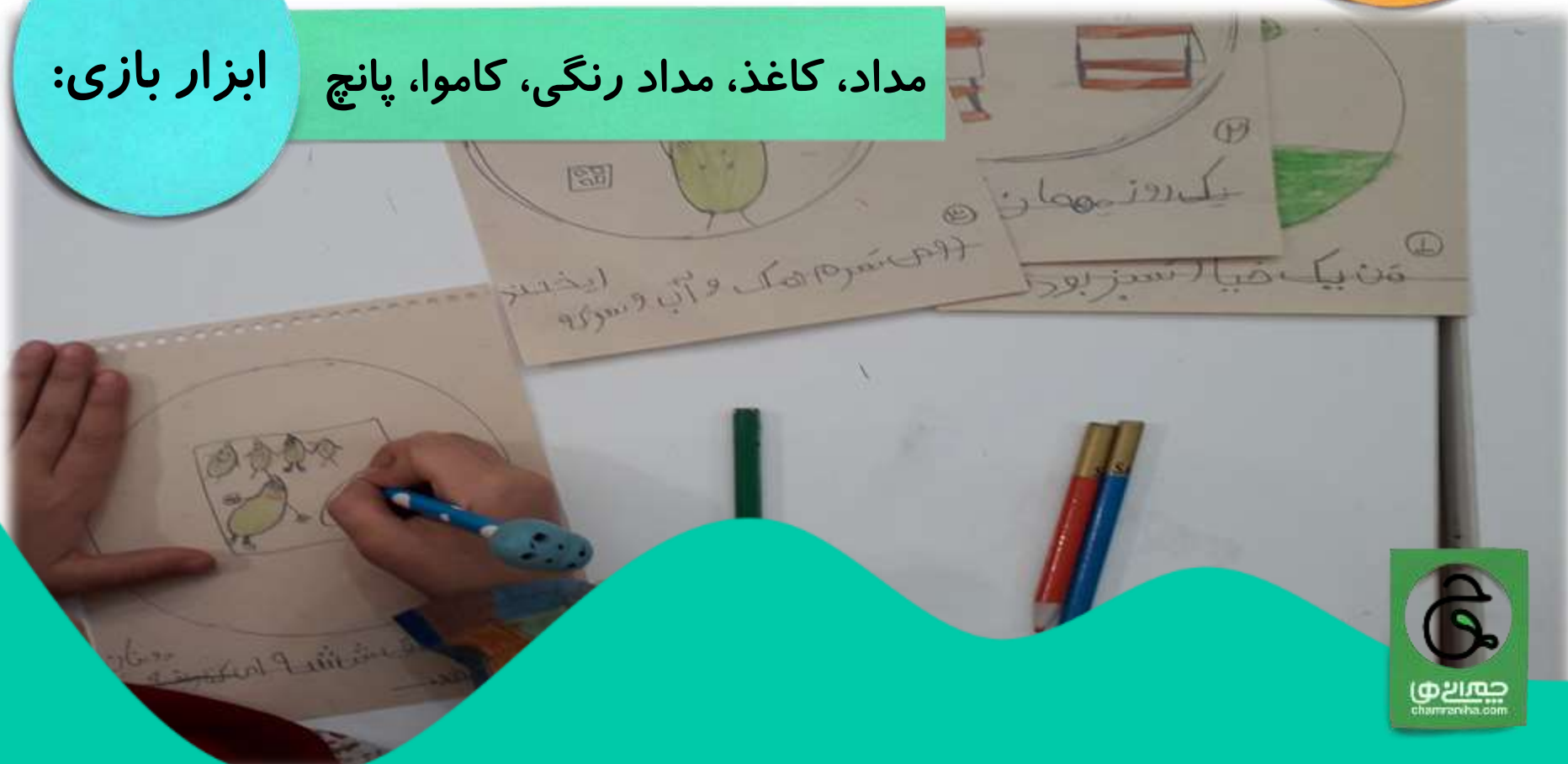


## ۲-۴. نویسندگی

هدف بازی:

با این بازی، هم یک کتاب می‌سازیم.  
و هم با نوشتن آشنا می‌شویم

ابزار بازی: مداد، کاغذ، مداد رنگی، کاموا، پانچ



## ۴-۲. نویسندگی

ترکیب کردن دروس مختلف مثل فارسی و ریاضی، لذت یادگیری را بیشتر می کند. علی عاشق آشپزی کردن است و اسم آشپزی هایش را هم گذاشته اختراعات خوشمزه. ما با هم خیلی آشپزی می کنیم و معمولا قسمتی از ناهار یا شام را علی درست می کند، حتی شده یک خرد کردن کاهوی ساده باشد.

چند روز پیش مهمان داشتیم و سر سفره از خیار شور هایی که من و علی درست کرده بودیم گذاشتیم. مامان بزرگ که از طعم خیار شورهایمان خیلی خوشش آمده بود به علی گفت: علی جان یادت باشه دستور درست کردن این خیار شور ها رو بهم بدی. و علی از این حرف خیلی خوشش آمده بود.

امروز که می خواستیم به خانه ی مادر بزرگ برویم، علی یک کاغذ و مداد آورد و گفت: دستور خیار شور رو بنویس که ببریم با خودمون.

گفتم: خب چرا خودت نمی نویسی. اصلا می توانیم یک کتاب آشپزی درست کنیم که هم دستور غذا ها رو توش بنویسم و هم اگه کسی خواست بهش بدیم. علی خوشحال شد و چند برگه ی بیشتر آورد. اول باهم مراحل درست کردن را مرور کردیم. علی جمله هایش را می ساخت و من روی تخته می نوشتم. هشت مرحله شد. علی هر جمله را روی یک کاغذ نوشت، برای هر کدام یک نقاشی کشید و بعد هم کاغذ ها را پانچ کرد و با کاموا به هم وصل کرد. کتاب آشپزی مان آماده شد.

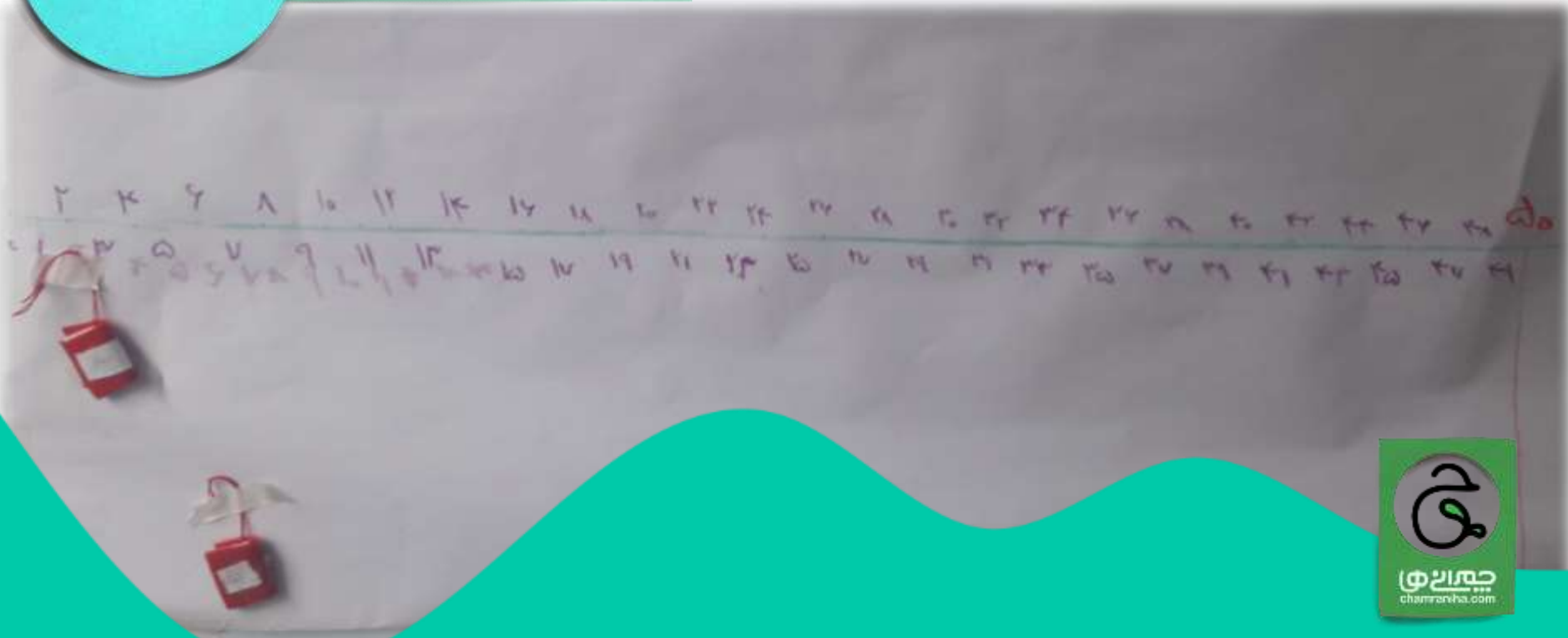


## ۳-۴. دیوار مطالعه

هدف بازی:

با این بازی، هم کلی کتاب می خونیم  
و هم با متن نوشتن آشنا می شویم

ابزار بازی: مداد، کاغذ یا مقوا



## ۴-۳. دیوار مطالعه

یکی از راه های تقویت فارسی بچه ها، زیاد خواندن است. خواندن کتاب داستان، مجله و ... برای من خیلی مهم بود که علی با کتاب دوست شود و کتاب زیاد بخواند. تا قبل از مدرسه خوب بود اما از وقتی به مدرسه می رفت این اشتیاق کمتر شده بود. تصمیم گرفتم یک بازی کنیم تا هم خودم بیشتر مطالعه کنم و هم علی را به مطالعه تشویق کنم.

روی یک کاغذ بزرگ، یک خط کشیدم و زیر آن هم از یک تا ۵۰ شماره نوشتم. و سه کتاب کوچک با نماد درست کردم و بانخ از بالای آن آویزان کردم. اسم هر سه نفرمان را روی کتاب ها نوشتم.

علی و پدرش که آمدند برایشان توضیح دادم: این دیوار مطالعه است. از الان تا جمعه ی دیگه که ده روز میشه وقت داریم هر چقدر می تونیم کتاب بخونیم. هر یک کتابی که بخونیم این کتاب نمدی ها یک خونه جلو میره و هر کس به خونه ی آخر یعنی ۵۰ برسه، میشه آقا یا خانم مطالعه. علی گفت: خب اگه آقای مطالعه بشیم چی میشه؟ گفتم: هم کلی کتاب خونديم و هم می تونيم تعيين كنيم كه روز جمعه كجا بریم.

علی که از شنیدن پیشنهاد دوم بیشتر خوشحال شده بود سریع به سمت کتابخانه رفت و اولین کتابش را خواند.

## ۴-۴. ساخت مجله

هدف بازی:

با این بازی، مجله می‌خوانیم و هم با ساخت مجله آشنا می‌شویم

ابزار بازی: مداد، کاغذ، مجله، قیچی و چسب



## ۴-۴. ساخت مجله

یکی از سرگرمی‌هایی که در ماشین و مهمانی خیلی به کارتان می‌آید، مجله‌ها هستند. ما معمولا مجلات کودک قدیمی‌تر را می‌خریم تا هزینه هم برایمان کمتر شود. وقتی داشتم کمد خانه را مرتب می‌کردم، چشمم به مجله‌های خیلی قدیمی‌تر افتاد که علی چندین بار بازی‌هایش را انجام داده بود. سه چهارتا مجله از بین شان انتخاب کردم. برگه‌هایش را ورق زدم و دو داستان پیدا کردم که هم از خط خطی‌های علی سالم مانده بود و هم داستان ساده و کوتاهی داشت. جملاتش را تکه تکه بردم. یک مقوا و چسب و قیچی هم روی میز گذاشتم. عصر وقتی علی تکالیف مدرسه‌اش را انجام داد، چشمش به آنها خورد و پرسید: اینا چیه؟ گفتم: اینا ابزاریه که می‌تونن خودت یه مجله درست کنی. گفت: چه جوری؟ گفتم: این نوشته‌ها می‌تونن یه داستان بشه اما باید تو جمله‌ها رو بخونی و به ترتیب پشت هم بچسبونیش. علی مشغول کار شد و من هم رفتم سراغ شام. یک ساعت بعد آمد و مجله‌اش را نشانم داد. هم داستان را کامل کرده بود و هم از بین مجله‌های باقی مانده، چند عکس بریده بود و زیر داستانش چسبانده بود.

## ۴-۵. صندوق نامه

هدف بازی:

با این بازی، هم یک راه بیان احساس مون رو یاد می گیریم  
و هم با نامه نوشتن آشنا می شویم

ابزار بازی:

مداد، کاغذ یا مقوا، چسب و قیچی



## ۴-۵. صندوق نامه

قبل از به دنیا آمدن علی، جایی در خانه داشتیم به نام حرف دل. من و همسرم گاهی حرف هایمان را در قالب نامه برای هم می نوشتیم. حس خوبی داشت مخصوصا اینکه گاهی وسط شلوغی های روز و کار ناگهان چشمت می افتاد و می دیدی که یک نامه داری. بعضی حرف ها و احساسات هست که با نوشتن بهتر و راحت تر می توانی به طرف مقابل بیان کنی. بعد از علی، این کارمان به فراموشی سپرده شد تا اینکه یک روز علی از مدرسه به خانه آمد و گفت که معلم شان برایش یک نامه نوشته.

گفتم: چه هدیه جالبی. ما هم می تونیم یک صندوق نامه درست کنیم. علی گفت: آره برای هرکی، یک پاکت بزرگ درست می کنیم. پس همیشه چهارتا پاکت. یکی من، یکی زهرا، یکی مامان و یکی هم برای بابا. بعد گفت: ولی زهرا که نمی تونه نامه بخونه. گفتم: خب برای او نقاشی می کشیم. برای بقیه می نویسیم.

وسایل کاردستی را آوردیم و چهار پاکت نامه درست کردیم و همه را روی یک مقوا چسباندیم. عکس هرکس را هم روی پاکت نامه زدیم و به دیوار هال وصل کردیم. صبح که بیدار شدم، نگاهم به پاک نامه ها افتاد. دو نامه داشتم. یکی از طرف علی و یکی هم از طرف همسرم.